

# نوای ناهمگون ساز موافق

نگاهی به کتاب «تنبک و کودک» نوشته‌ی محمد اخوان

نگار پدرام

نام کتاب: تنبک و کودک  
نویسنده: محمد اخوان  
تصویرگر: رضا مکتبی  
ناشر: سروش، چاپ اول، ۱۳۸۸  
پیش درآمد: ۱



نگارش کتاب تخصصی در هر حوزه‌ای از علم و هنر به یک نویسنده متخصص در آن حوزه نیازمند است تا بتواند با استناد به منابع معتبر و مستندات و مشاهدات قابل ارایه، اطلاعات کافی در آن حوزه به مخاطبان ارایه دهد. حال اگر قرار باشد یک کتاب تخصصی در هر زمینه‌ای برای کودکان و نوجوانان نوشته شود، نویسنده به شناخت از دنیای کودکان و ادبیات و شیوه نگارش برای این گروه سنی نیز نیاز دارد. واضح است که نویسنده دست‌کم باید بتواند بین مخاطب کودک، نوجوان و بزرگسال تمایز قابل شود و ویژگی‌های هر گروه سنی و علایق آن‌ها را بشناسد.

## پیش درآمد ۲:

سال‌هاست که از کمبود کتاب‌های آموزشی و غیر آموزشی در حوزه‌ی موسیقی کودک و نوجوان گله می‌کنیم و هر از گاه، تقصیر کمبود منابع معتبر در این رشته را به گردن یک گروه می‌اندازیم. کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه‌ی موسیقی کودک از بی‌توجهی ناشران خصوصی و نهادهای دولتی از پرداختن به این موضوع گله می‌کنند و در مقابل مدیران نشر و کارشناسان موسیقی نهادهای دولتی معتقدند که اهالی موسیقی به جای پرداختن به مباحث تئوریک و نوشتن مطالب قابل استناد، به ساخت آهنگ و قطعه موسیقی می‌پردازند.

واقعیت این است که مسئله‌ی کمبود کتاب در زمینه‌ی موسیقی کودک به شدت بحرانی است و سال‌ها بحث و جدل درباره‌ی این که چه کسی به این بحران دامن می‌زند، بی‌نتیجه است! چون حتی آثار منتشر شده در این زمینه نیز اگرچه با عنوان کودک منتشر می‌شوند اما با حال و هوای آن‌ها هماهنگی ندارند. اغلب آن‌ها مطالب کاملاً تخصصی و آموزشی برای نوازندگان هستند که تنها با یک سری تغییرات در صفحه‌آرایی ظاهری کودکانه پیدا کرده‌اند.

## درآمد:

کتاب تنبک و کودک به تازگی توسط محمد اخوان و از سوی انتشارات سروش منتشر شده است. این اولین کتاب محمد اخوان در زمینه تنبک نیست و پیش از این نیز از او کتاب‌های آموزشی درباره ساز تنبک و دف با عناوین دستور مقدماتی تنبک، مقدمه تنبک‌نوازی نوین و دف‌نوازی نیز منتشر شده است.

زیر عنوان اصلی کتاب نوشته شده: «پیش‌نیاز برای سازهای ملودیک». به نظر می‌رسد نوشتن این عنوان برای کتاب تنها به این دلیل بوده تا تعداد بیشتری از والدین که آشنایی کمتری با موسیقی دارند به خرید این کتاب ترغیب شوند. چون هیچ کس تا به حال نگفته که برای آموزش سازهای ملودیک، آشنایی با ساز تنبک ضروری است. از سوی دیگر این

نظریه جدید در موسیقی از منظری دیگر هم قابل انتقاد است. درحقیقت صرف نظر از این که ساز تنبک پیش‌نیاز سازهای ملودیک نیست و اساساً آموزش هیچ سازی پیش‌نیاز آموزش سازی دیگر نیست؛ باید گفت تنها با انتشار یک کتاب و بدون آرایه مستندات، نمی‌توان این نظریه را در ذهن مخاطبان ایجاد کرد. به ویژه آن که به غیر از کودکان و والدین‌شان، مخاطبان این کتاب مریبان موسیقی کودکان نیز هستند و دست کم آن‌ها می‌دانند که آموزش تنبک پیش‌نیاز آموزش سازهای دیگر نیست! نویسنده در مقدمه نوشته است: «...از آنجایی که سازهای اصیل سرزمین‌مان ایران بسیار مهجور مانده‌اند و بیم آن می‌رود که به فراموشی سپرده شوند، درصدد برآمدیم تا با بهره‌گیری از تجربیات محدود خود که در تنبک نوازی آموخته‌ام، برای آشنایی کودکان با ریتم‌های ساده و ترکیبی، و در نهایت آشنایی آن‌ها با سازهای متداول ایرانی دفتری با نام تنبک و کودک تدوین کنم و در اختیار همکاران و مریبان قرار دهم. به این امید که دفتر حاضر گامی کوچک در شناساندن و اشاعه سازهای سنتی و تشویق کودکان برای یادگیری این سازها باشد.»

البته نویسنده در این کتاب کشش‌ها و علایم مربوط به نت را که لازمه‌ی آموزش هر ساز است، توضیح داده و شاید تنها نکته‌ی مشترک ساز تنبک با سایر سازها همین باشد. از سوی دیگر چنین توضیحاتی در ابتدای همه‌ی خودآموزهای موسیقی و اغلب مجموعه‌نت‌های قطعات موسیقی آورده می‌شود و از این نظر این بخش کتاب نکته‌ی جدیدی نسبت به سایر کتاب‌ها ندارد. به ویژه آن که توضیح برخی علائم چنان گنگ است که نمی‌توان از مخاطب کودک انتظار داشت که با خواندن این توضیحات معنا و نقش علایم در موسیقی را درک کند. در حقیقت این توضیحات برای کسانی که آشنایی کمتری با موسیقی دارند گویا نیست و نکته‌ای در بر ندارد. به عنوان مثال نویسنده در توضیح میزان نوشته

است: «اگر بین دو خط که به آن‌ها خط میزان می‌گویند چند نت قرار گیرد، به آن میزان می‌گویند.» این توضیح نه میزان را به خوبی توصیف کرده و نه خط میزان را. با در نظر گرفتن گروه سنی مخاطب کتاب، این توضیح غلط تر به نظر می‌رسد. یعنی حتی ممکن است کودک چنین تصور کند که اگر بین دو خط که به آن‌ها خط میزان می‌گویند چند نت قرار گیرد به آن خط میزان‌ها، میزان می‌گویند! در حالی که میزان از نظر علمی این‌گونه توصیف می‌شود: «هر قطعه موسیقی از نظر زمان به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌شود که هر یک از آن قسمت‌ها را میزان و خط قائمی که آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند خط میزان می‌گویند.»

در برخی موارد نیز نویسنده نام علامت را نوشته و با شکل آن را توضیح داده است. در حالی که حتی در کتاب‌های تخصصی موسیقی که مخاطبان آن‌ها بزرگسالان و اهالی موسیقی هستند، عبارت کوتاهی برای توضیح آن علامت نوشته می‌شود. از سوی دیگر اگر یکی از مخاطبان این کتاب کودکان باشند؛ صرف نظر از کامل یا ناقص بودن توضیحات؛ جملات مناسب این گروه سنی نیست.

بخش دیگری از کتاب به آموزش چگونگی نشستن و نواختن ساز تنبک اختصاص دارد و از این جهت نیز به سایر کتاب‌های آموزشی تنبک شباهت دارد.

شاید قسمت پایانی کتاب که به معرفی تعدادی از سازهای سنتی ایرانی اختصاص یافته تنها نکته‌ی جدید این کتاب است که آن را از سایر کتاب‌های موسیقی متمایز کرده است. صرف نظر از این که چه قدر اطلاعات این بخش موثق و درست است، به هر حال طرح چنین موضوعی در کتابی که به عنوان کودک منتشر می‌شود، مهم است. البته ارتباط آن با بخش



ابتدایی کتاب که به آموزش تنبک اختصاص دارد، به خوبی مشخص نشده است. نویسنده در مقدمه نوشته است: «... برخلاف سازهای غربی که همواره در معرض دید بسیاری از خانواده‌ها است و کودکان را ناخواسته مجذب می‌کند، چنین امکانی برای سازهای ایرانی نبوده و کودکان ما با سازهای ایرانی بیگانه شده‌اند و این دردی بسیار عمیق است که در آینده میراث گذشتگان را به فراموشی سپارند...»

با این حال با نگاهی به این کتاب به نظر می‌رسد یک کتاب دو بخشی داریم که هر کدام از آن‌ها می‌توانند کتاب مستقلی باشند و حتی با وجود توضیح نویسنده در مقدمه و دلایلی که برای در کنار هم قرار دادن این دو بخش ارایه شده، بازهم این دو بخش به خوبی به هم مربوط نشده‌اند.

تصویرگری کتاب هم یکی از نقاط ضعف آن است. طرح جلد کتاب مجموعه‌ای از سازهای موسیقی ایرانی یعنی سنتور، تار، سه‌تار، کمانچه، نی است که بالای یک تنبک قرار گرفته‌اند. همین تصویر پر از غلط‌های فاحشی است که تصویری نادرست از سازها را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. در این تصویر سنتور بدون خرک کشیده شده و مضراب‌ها طوری روی ساز قرار گرفته‌اند که انگار نوازنده ساز را از کنار می‌نوازد! ساز سه‌تار نیز در این تصویر سه گوشی کوچک دارد در حالی که سه‌تار چهار سیم و در نتیجه چهار گوشی کوچک دارد.

تار نیز ۶ سیم و ۶ گوشی کوچک دارد که در این تصویر با چهار گوشی نشان داده شده است. جالب‌تر آن که در این تصویر کاسه و گوشی‌های کوچک تار به شکل یکپارچه کشیده شده در حالی که گوشی‌های کوچک در انتهای دسته تار و داخل جعبه‌ی چهارگوش کوچکی قرار دارند که به جعبه‌ی گوشی معروف است.

با این که مضراب‌های ساز سنتور کشیده شده اما کمانچه‌ی حاضر در این تصویر آرشه ندارد. همان‌طور که تار نیز مضراب ندارد. البته مضراب تار ممکن است در تصویر چندان واضح نباشد حتی در تصویر داخل کتاب نیز مضراب این ساز کشیده نشده و فقط توسط نویسنده توصیفی درباره‌ی آن آمده است، اما کشیدن تصویر آرشه‌ی کمانچه ضروری به نظر می‌رسد. به هر حال در این تصویر یکی از اجزای هر کدام از این سازها کشیده نشده است. سه‌تار، تار و کمانچه هر سه خرک و شیطانک دارند که فقط خرک سه‌تار کشیده شده و بقیه ناقص‌اند. تصویرگر برای شماره صفحات نیز از سه تار استفاده کرده و شماره‌ی هر صفحه را داخل کاسه‌ی آن قرار داده است. در صفحات دیگر مثل صفحه‌ی ۳۱ نیز تار، سه‌تار و سنتور نیز به همان شکل غلطشان کشیده شده‌اند.

رضا مکتبی که تصویرگری مجموعه‌ای از کتاب‌های علمی، داستانی مذهبی و غیر مذهبی را در کارنامه‌ی خود دارد، این بار کاملاً غیر حرفه‌ای کار کرده است. تصویرگری برای یک کتاب تخصصی نیازمند کمی مطالعه در آن حوزه است. در حالی که به نظر می‌رسد او حتی خود کتاب را نیز به خوبی نگاه نکرده است. چون در بخش معرفی سازهای ایرانی، عکس سازها وجود داشته و تصویرگر می‌توانسته از آن‌ها استفاده کند. ممکن است این دو بخش به شکل جداگانه تهیه شده باشند اما نویسنده و ناشر باید نگران نتیجه‌ی نهایی کار خود باشند و در نهایت تصاویر را بررسی کنند. به ویژه آن که نویسنده در مقدمه به نگرانی خود از مهجور ماندن سازهای ایرانی اشاره کرده و به همین دلیل بخش پایانی کتاب را به آموزش تنبک خود اضافه کرده است. به هر حال مکتبی آثاری چون پیامبر، آخرین آواز مترسک، وقتی بابا آناثاس می‌شود، حکایت‌های شیرین گرشاسب نامه، گاو کوچولو، گربه در جوراب زنانه و... را تصویرگری کرده و از فعالان حوزه‌ی تصویرگری کتاب‌های کودکان است و به همین دلیل توقع از تصویرگری این کتاب بیشتر می‌شود. چون از چنین شخصی انتظار می‌رود که نقش و اهمیت تصویرگری درست و نادرست را در ذهن مخاطب کودک بشناسد.



پی‌نوشت:

۱ - کمال پورتراب، مصطفی، تئوری موسیقی، چشمه، چاپ هجدهم، ۱۳۷۰

کتاب‌ماه کودک و نوجوان  
اسفند ۱۳۸۸

